



گرامی باد روز جهانی کارگر!

امسال کارگران در شرایطی به پیشواز روز جهانی خود می‌روند که نظام سرمایه‌داری همچنان اسیر در چنبره بحرانی است که در چند سال گذشته تمامی این سیستم را فرا گرفته و تا امروز قادر به برون رفت از آن نبوده است. حتی آن جا هم که بانک جهانی در ترسیم چشم‌انداز این بحران از "امکان" رشد و توسعه و "تغییر" در وضعیت اقتصادی نظام امپریالیستی جهانی سخن می‌گوید باز مجبور می‌شود تأکید کند که رشد اقتصادی احتمالی با گسترش بیکاری توأم خواهد بود. معنی این سخن که اخیراً از طرف بانک جهانی اعلام شد این است که حتی در خوش بینانه‌ترین حالت هم امسال چشم‌اندازی برای اشتغال بخشی از لشکر عظیم گرسنگان و بیکاران وجود ندارد. به عبارت دیگر مفهوم "رشد" احتمالی در نظام امپریالیستی همانا تداوم اخراج‌ها و بیکارسازی‌هایی است که هم اینک در اکثر بخش‌های تولیدی و غیرتولیدی کمر کارگران و زحمتکشان را نه فقط در کشور ما بلکه در سطح جهان خم کرده است. واقعیت این است که بحران، ذاتی نظام سرمایه‌داری است و به قول مارکس "تاریخ صنایع و بازرگانی طی دهه‌های متمادی، تنها عبارت است از تاریخ طغیان نیروهای مولده عصر جدید بر علیه مناسبات تولیدی این عصر، و آن روابط مالکیتی‌ای که شرط وجودی بورژوازی و سلطه اوست." حال مردم جهان سال‌هاست که این بحران ذاتی سرمایه‌داری که با شدت تمام هم جریان دارد را با گوشت و پوست خود لمس کرده و به تجربه می‌بینند که در جریان این بحران‌های ادواری فزاینده، بورژوازی همواره تلاش کرده تا بار بحران‌های خود را بدوش کارگران و خلق‌های کشورهای تحت‌سلطه سرشکن کند. این سیاست ضدخلق‌ی چه از طریق تحمیل برنامه‌های ریاضت اقتصادی که بیکارسازی وسیع نیروی کار یکی از وجوه آن می‌باشد، و چه از طریق برپائی جنگ و دامن‌زدن به فضای جنگی و تکیه هر چه بیشتر بر میلیتاریسم به‌پیش رانده شده است. این گونه است که نظام استثمارگرانه بورژوازی می‌کوشد تا بقای خود را از یک طرف از طریق "نابودی اجباری توده‌های وسیعی از نیروهای مولده و از طرف دیگر بوسیله تسخیر بازارهای تازه و بهره‌کشی هر چه تمام‌تر از بازارهای کهنه" تداوم بخشد. اما تسخیر بازارهای تازه در شرایطی که سرمایه‌داری همه جهان را به زیر سلطه خود درآورده و "جهانی هم‌شکل و همانند خویش" را شکل داده و تقریباً دیگر بازار تازه "تسخیر" نشده‌ای وجود ندارد، جز تلاش برای دست‌اندازی به بازارهای رقبا و در نتیجه تشدید رقابت‌های امپریالیستی در چهار گوشه جهان هیچ معنای دیگری نمی‌تواند داشته باشد. این همان موقعیتی است که بورژوازی امپریالیستی امروز با براه انداختن جنگ‌های خونین و وحشیانه در اقصی نقاط دنیا و سلاخی کارگران و خلق‌های تحت ستم به‌پیش می‌برد و هر انسان شرافتمندی نمونه‌های بارز این جنایات بورژوازی امپریالیستی را در نقاط مختلف جهان و هم اکنون به‌طور برجسته در سوریه و اوکراین به چشم خود می‌بیند. همه این تلاش‌های جنایتکارانه و جنگ‌افروزی و کشتار زحمتکشان و خلق‌های تحت ستم در عین حال با یورش افسار گسیخته و روزمره به دسترنج کارگران و توده‌های ستمدیده همراه است. مثلاً در ایران اگر ترفندها و سیاست‌های ظالمانه بورژوازی ایران علیه طبقه کارگر را مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که این سیاست‌ها که از طریق رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با توسل به جنایتکارانه‌ترین اعمال و سرکوب خونین توده‌ها به‌پیش برده می‌شود انعکاس سیاست بورژوازی امپریالیستی‌ست که آن را در همه جای جهان اعمال می‌کند. از این روست که کارگران در اکثر کشورها همانند کارگران ایران در شرایطی به پیشواز روز جهانی کارگر می‌روند که بر اثر عمل‌کردهای سیاست‌های استثمارگرانه بورژوازی زالوصفت حاکم کارد به استخوان‌شان رسیده است. بورژوازی دندان‌گرد ایران نیز همچون همه همپالگی‌هایش در سراسر جهان در سال‌های اخیر روزی نبوده و نیست که تعرض جدیدی را به حقوق کارگران شکل ندهد. آخرین نمونه این تعرض تعیین حداقل دستمزد کارگران ده درصد پائین‌تر از نرخ تورم رسمی است که مفهوم آن تحمیل گرسنگی بیشتر به خانواده‌های کارگری و سوق دادن آن‌ها به فقر و فلاکت هر چه بیشتری می‌باشد. در شرایطی که خود نهادی‌های رسمی جمهوری اسلامی در تعریف خط فقر، آن را حداقل یک میلیون و هفتصد هزار تومان در ماه تعیین کرده‌اند شورای عالی کار جمهوری اسلامی حداقل حقوق کارگران را تنها 608 هزار و 900 تومان تعیین کرد و تازه وزیر کار جنایت‌پیشه رژیم اعلام نموده که این مزد آن قدر کافی است که کارگران نیازی ندارند یارانه نقدی - که در ازای

افزایش شدید قیمت‌ها از طرف دولت به آن‌ها داده می‌شود - را دریافت کنند و بهتر است از دریافت آن انصراف دهند. بیشترمانه‌تر از این، رئیس کانون کارفرمایان، آب پاکی روی دست کارگران ریخته و برخلاف قانون کار دست‌پخت خودشان که مقرر کرده که حداقل دستمزد باید متناسب با سطح تورم باشد مطرح کرد که چون نمی‌توان دستمزد را به نسبت نرخ تورم افزایش داد کارگران باید با پیدا کردن شغل دوم و اضافه‌کاری مشکلات خود را حل نمایند! امری که با در نظر گرفتن بیکاری وحشتناک در سطح جامعه و وجود یک ارتش ذخیره کار چند میلیونی به راحتی کسب شدنی نیست و این برخوردها تنها ماهیت ضدخلقی سردمداران رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی و شرایط جهنمی‌ای که آن‌ها برای کارگران ایران آفریده‌اند را هر چه عیان‌تر نشان می‌دهد. همچنین دو اظهار نظر فوق‌سیمای واقعی بورژوازی ایران را در مقابل همگان و از جمله کارگران قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه کارفرمایان دست در دست دولت مدافع خود شیره جان آن‌ها را می‌مکند و آن‌ها راهی جز این ندارند که برای تغییر این شرایط اسارت‌بار بپا خاسته و طبقه حاکمه و رژیم حامی‌اش را با قدرت انقلابی خود به زباله‌دانی تاریخ اندازند. ما امروز با تشدید بحران‌های امپریالیستی شاهد رشد روزافزون اعتراضات و مبارزات کارگران و زحمتکشان در سراسر گیتی هستیم. از اعتراضات توده‌ای در آرژانتین گرفته تا یونان و اسپانیا، تا تظاهرات ۵۰ هزار کارگر معترض در بروکسل بلژیک که تمامی این مبارزات در همه جا با یورش قوای مسلح پشتیبان بوژواها یعنی با پلیس و دیگر نیروهای نظامی مواجه می‌شوند. اساساً امروز تضاد بین کارگران و زحمتکشان با سرمایه داران استثمارگر و به طور کلی همه خلق‌های تحت ستم با سرمایه داران (بین‌المللی) امپریالیست‌ها (به حدی شدت یافته است که به‌واقع جایی در جهان نیست که ستم‌دیدگان به شکلی صدای اعتراض خود را بر علیه تعرض سرمایه‌داری جهانی بلند نکرده باشند). در ایران نیز تحت حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی روزی نبوده که کارگران علیه هجوم غارت‌گرانه بورژوازی و سگ‌نگهبان‌اش جمهوری اسلامی به حیات و هستی‌شان، فریاد اعتراض سر ندهند. در چنین شرایط جهانی، وضعیت بسیار دردناک کار و مبارزه کارگران ایران از یک طرف و این واقعیت که دیکتاتوری عریان طبقه حاکم حتی کم‌ترین مطالبات صنفی طبقه کارگر را هم تاب نمی‌آورد و هرگونه مبارزه کارگران برای مطالبه حقوق عادلانه و تشکلهای مستقل را وحشیانه سرکوب می‌کند بیش از پیش به کارگران خاطر نشان می‌سازد که تغییر این شرایط استثمارگرانه و جهنمی در عمل مستلزم تداوم مبارزات دلاورانه جاری و تلاش برای غلبه بر پراکندگی دردناک کنونی طبقه کارگر از طریق مبارزه انقلابی با رژیم دیکتاتور حاکم به مثابه حکومت سرمایه‌داران ایران و اصلی‌ترین کانال نفوذ امپریالیسم در جامعه ما می‌باشد. واقعیت این است که هم‌رهائی کارگران به خیزش و انقلاب آن‌ها وابسته است و هم پیروزی این انقلاب به اعمال رهبری طبقه کارگر آگاه و متشکل وابسته است. این حقیقت در روز جهانی کارگر باید روشنی بخش مبارزات کارگران قرار گیرد.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر !
نابود باد نظام جهانی سرمایه‌داری!
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
پیروز باد انقلاب ! زنده باد کمونیسم !
چریکهای فدائی خلق ایران
اردیبهشت 1393

www.siahkal.com
www.ashrafdehghani.com